

مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند دادرسی کیفری به منزله سرمایه اجتماعی

مهدی شیدائیان^{۱*}، علی عسگری مروت^۲، مسلم واحدی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰)

چکیده

امروزه میزان مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در اداره امور کشور یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی است و حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه از نظر دانش مدیریت، سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود و از نظر علم سیاست جنایی نشانه حاکمیت سیاست جنایی مشارکتی است. ازین‌رو ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها جنبه حمایتی دارند اجازه مداخله در فرآیند کیفری داده است. آنچه اینجا مطرح می‌شود این است که از یک سو سمن‌ها چگونه می‌توانند در فرآیند دادرسی کیفری نقش‌آفرینی کنند و سرمایه اجتماعی خویش را در این مسیر به کار گیرند و از سوی دیگر چه راهکارهایی وجود دارد تا از آن طریق بتوان باعث تقویت سرمایه اجتماعی سمن‌ها در فرآیند دادرسی کیفری شد؟ هدف این نوشتار از یک سو شناخت نقش سمن‌ها در فرآیند کیفری و از سوی دیگر ارائه راهکارهای تقویت نقش این سازمان‌ها در فرآیند کیفری است. حمایت از بزه‌دیدگان، آگاه‌سازی آنان از حقوق خویش، معاضدت‌های حقوقی، از جمله نقش‌های سمن‌هاست که می‌توان با گسترش دامنه اختیارات سمن‌ها، افزایش میزان اعتماد مردم به سمن‌ها، و غیره باعث افزایش قدرت سمن‌ها به‌مثابه یک سرمایه اجتماعی در فرآیند کیفری شد.

کلیدواژگان

حمایت کیفری، سازمان‌های مردم‌نهاد، سرمایه اجتماعی، فرآیند کیفری، آسیب‌های اجتماعی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: m_sheidaei@ut.ac.ir

مقدمه

تشکل‌های مردمی در جامعه مدنی مهم‌ترین حلقه پیوست دولت و قشرهای گوناگون مردم به شمار می‌روند و به دلیل ماهیت مردمی خود می‌توانند در عرصه‌های گوناگون به بسیج توده‌های مردم پردازند و از گنجینه‌های بی‌پایان توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه مردمی برای توسعه پایدار جامعه بهره گیرند. ازین‌رو، وقتی اندیشه مشارکت در جامعه قوت می‌یابد که عناصر آزادی، آگاهی، و حرکت داوطلبانه در آن جامعه حضور همیشگی داشته باشند. جامعه حقوقی هم از این قاعده مستثنی نیست و شرکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند دادرسی یکی از اهداف قانون‌گذار در این زمینه و سیاست جنایی مشارکتی است. سازمان‌های غیردولتی در تصمیم‌گیری ملی و بین‌المللی جایگاه ویژه دارند و گستره نفوذ آن‌ها از مسائل فرهنگی، اقتصادی، امور بشردوستانه تا امور کیفری گسترده شده است. از این منظر سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) برای همه دولت‌ها سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند و دارای ظرفیتی اجتماعی‌اند که دولت‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. در این میان، به ویژه نباید از نقش سازمان‌های مردم‌نهاد حامی حقوق بزهدیدگان غافل بود. این سازمان‌ها، که هویت و شخصیتی مستقل دارند، با مشارکت و مسئولیت‌پذیری، می‌توانند اقدامات مختلفی در سطوح کلان و تصمیم‌گیری‌ها و بخش‌های مختلف قانون‌گذاری و اجرایی کشور در جهت حفظ حقوق بزهدیدگان انجام دهند. قانون آیین دادرسی کیفری مطابق ماده ۶۴ جهات شروع به تعقیب را چنین پیش بینی نموده است: شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری و مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن یا اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر، و غیره.

طبق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بزهدیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است و چنانچه تعقیب متهم را درخواست کند شاکی است و می‌تواند شروع به تعقیب را از دادستان بخواهد. اما در ماده ۶۶، با اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد بزهدیده اصلی محسوب نمی‌شوند، قانون‌گذار اختیار طرح شکایت برای این سازمان‌ها را پیش‌بینی کرده است. در این نوشتار، پس از آوردن کلیات موضوع تحقیق، به تعریف فلسفه تأسیس و اهداف و ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و نقش و فعالیت‌های این تشکل‌ها و همچنین با

شناسایی و بررسی موارد تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان در فرآیند کیفری به ارائه پیشنهاد و راهکارهای لازم می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

با توجه به عنوان مقاله که یک پژوهش میان‌رشته‌ای است، این تحقیق مستلزم مطالعه گسترده‌ای می‌باشد که با سیری در تحقیقات گذشته، روشن می‌شود که این عنوان میان رشته‌ای به طور مستقیم فاقد پیشینه است. برخی از تحقیقات انجام یافته در این زمینه عبارتند از:

- سید حسین صالحی، عباس خلجی، احمد باصری (۱۳۹۴). «تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد بر مؤلفه‌های امنیت»، مدیریت بحران و وضعیت اضطراری، ش ۲۶.

- رضا علی محسنی، غلام‌رضا خوش‌فر، قربان‌علی بابایی، میترا ابراهیمی (۱۳۹۲). «بررسی

عوامل مؤثر بر انگیزه مشارکت زنان در سازمان‌های مردم‌نهاد»، علوم اجتماعی، ش ۲.

- Adler, p. s. & Kwon, s. (2002). Social capital, Academy of management Review, vol. 27.
- Aspin, Liam (2004). Social capital and productivity, teaching and learning.
- Putnam, R. D. (Ed) (2004). Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.

روش تحقیق

شیوه تحقیق در نگارش و تدوین این مقاله مراجعه مستقیم به منابع کتابخانه بود. در استفاده از منابع، نخست مطالب مربوطه مطالعه و یادداشت‌برداری و سپس یادداشت‌ها تجزیه و تحلیل شد.

سرمایه اجتماعی و سمن‌ها و ارتباط آن‌ها با یکدیگر

سرمایه اجتماعی اصطلاحی جدید است که در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد و «بر مجموعه شبکه‌ها، تیم‌ها، روابط، انجمن‌ها، و مؤسسه‌های دلالی دارد که به واسطه هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل گرفته و دلگرمی اجتماع انسانی را موجب شده و کنش متقابل و تعاون و همکاری را بین افراد تسهیل می‌کند» (زارعی‌متین و همکاران ۱۳۹۵: ۲۰). سرمایه اجتماعی را جیمز کلن، فرانسیس فوکویاما^۱، و رابرت پاتنام^۳ با دیدی کارکردگرایانه (کلن، ۱۳۷۷: ۱۴۵؛ فوکویاما، ۱۳۷۹:

1. James Coleman
2. Francis Fukuyama
3. Robert Putnam

۴۵؛ پاتنام، ۱۳۷۶: ۸۶) و پیر بوردیو^۱ با دیدی مارکسیستی گسترش دادند (فیلد، ۱۳۹۲: ۱۹۵). این صاحب‌نظران، بر اساس مدلی، برای سرمایه اجتماعی چهار بعد برشمردند که عبارت‌اند از بعد اجتماعی، بعد فرهنگی، بعد سیاسی، و بعد اقتصادی. از بعد اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مسئولیت‌پذیری است. احساس مسئولیت در مقابل جامعه و مسئولیت فردی از عواملی است که مجموعاً فرد را در سازمانی به تصمیم‌گیری اخلاقی قادر می‌سازد. رابینسون^۲ اعلام می‌کند مسئولیت اجتماعی یکی از وظایف سازمان‌ها در جهت منتفع ساختن جامعه است؛ به نحوی که هدف اولیه سازمان، یعنی حداکثر کردن سود، را در نظر گیرد (امیری ۱۳۸۸: ۵۶). احساس تعهد و مسئولیت مدیران در قبال سازمان‌ها و سپس در سطح وسیع‌تر در قبال جامعه و شهروندان می‌تواند سرمایه اجتماعی را بهبود بخشد. رابطه متقابل ارتباط دو شخص یا دو گروه است که می‌تواند صورت‌های گوناگونی چون همکاری و دوستی به خود بگیرد (فیلد، ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین، در جامعه‌ای که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشد رابطه متقابل میان آحاد مختلف آن جامعه به شکل مناسب صورت خواهد گرفت.

مرل^۳، یکی از نظریه‌پردازان فرانسوی، سازمان‌های مردم‌نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر گونه گروه، تشکل، یا جنبشی که به شیوه‌ای دائمی از جانب اشخاص خصوصی متعلق به چندین کشور برای پیگیری اهداف غیرانتفاعی تشکیل شده باشد.» (Ryfman 2009: 20). است. ماده ۱ «آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد» مصوب ۱۳۸۴ هیئت وزیران، سازمان‌های مردم‌نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «... تشکل‌هایی که گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس می‌کنند و این تشکل‌ها اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی دارند». سازمان‌های غیردولتی که به بررسی گروه‌های مختلف بزه‌دیده می‌پردازند محرک آغازین جنبش‌های دفاع از این گروه‌ها بودند. برخی از آن‌ها دامنه دسترسی خود را به پرداختن حقوق و خدمات به همه بزه‌دیدگان گسترش دادند. یکی از ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی بودن است. این ویژگی را می‌توان مهم‌ترین ویژگی

1. Pierre Bourdieu
2. Robinson
3. Merle

این سازمان‌ها دانست. این سازمان‌ها را مردم تأسیس می‌کنند و دولت در تشکیل آن‌ها نقشی ندارد. به عبارت دیگر، این سازمان‌ها در دیوان‌سالاری دولتی جایی ندارند (سعیدی ۱۳۸۲: ۴۶). تبصره ۲ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مصوب ۱۳۸۴، هم در این راستا مقرر می‌دارد: «واژه غیردولتی به این معناست که دستگاه‌های حکومتی در تأسیس و اداره سازمان دخالت نداشته باشند. مشارکت مقامات و کارکنان دولتی در تأسیس و اداره سازمان، در صورتی که خارج از عنوان و سمت دولتی آنان باشد، مانع وصف غیردولتی سازمان نخواهد بود.» غیرانتفاعی بودن نیز یکی دیگر از ویژگی‌هاست. هیچ سازمان مردم‌نهادی به انگیزه سودجویی شکل نمی‌گیرد و در پی کسب سود برای اشخاص یا گروه‌های خاص نیست. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در فعالیت‌های تجاری مشارکت و تولید سود و سرمایه کنند، ولی این سود و سرمایه باید صرفاً در جهت اهداف سازمان مصرف شود و به اعضا و مؤسسان و مدیران تعلق نگیرد (سعیدی ۱۳۸۲: ۴۶). آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در تبصره ۴ ماده ۱ خود هدف غیرانتفاعی سازمان‌های مردم‌نهاد را عدم فعالیت‌های تجاری و صنفی به منظور تقسیم منافع آن بین اعضا، مؤسسان، مدیران، و کارکنان سازمان تبیین می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد را به طور داوطلبانه مردم تأسیس می‌کنند. به‌رغم اینکه این سازمان‌ها باید تابع قوانین و مقررات خاص باشند، اصولاً تشکیلات دولتی نباید در شرایط عادی دستور تشکیل و اداره و انحلال آن را صادر کند. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، در تبصره ۵ ماده ۱، داوطلبانه بودن را عبارت از مشارکت و تأسیس و اداره سازمان بر اساس اصل آزادی اراده دانسته است. در کشورهای مختلف قوانینی وجود دارد که با رعایت شرایطی به انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه می‌دهد با انجام دادن تشریفاتی به ثبت برسند و از شخصیت حقوقی برخوردار شوند. این موضوع باعث جلب اعتماد مردم برای همکاری با این سازمان‌ها می‌شود (سعیدی ۱۳۸۲: ۴۷). سرمایه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که هر بعد نکته‌ای را به مفهوم سرمایه اجتماعی افزوده است. از این ابعاد می‌توان به با هم بودن، حشر و نشر اجتماعی روزانه، وصل بودن یا پیوند محله‌ای، گرایش به داوطلب شدن، و اعتماد اشاره کرد (پیران ۱۳۹۲: ۱۰۶).

نقش سمن‌ها در فرایند کیفری

سمن‌ها در فرایند دادرسی کیفری نقش‌های مختلفی را در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان و نظارت بر رفتار دولت‌ها و ... ایفا می‌کنند که در ادامه هر یک از آن‌ها بررسی می‌شود.

حمایت از بزه‌دیدگان

قانون‌گذار در ماده ۶۶ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ به نقش حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد از بزه‌دیدگان پرداخته و به حمایت کیفری شکلی از بزه‌دیدگان اشاره کرده است. حمایت شکلی عبارت است از پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق بزه‌دیده در چهارچوب قانون که بدین اعتبار می‌توان از آن به سازوکارهای آیین دادرسی مدار نیز یاد کرد (راپجیان اصلی ۱۳۸۴: ۹۱). حمایت از بزه‌دیدگان در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بررسی می‌شود. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه به طور کلی و نظام قضایی به طور خاص باید در همه لایه‌های خود (مشارکتی، اجرایی، قانون‌گذاری، و ...) توجه به حقوق شایسته و نیازهای بایسته بزه‌دیده را لحاظ کند و به ترمیم آسیب‌دیدگی و جبران آثار بزه‌دیدگی آنان بپردازد. واژه بزه‌دیده هم دربردارنده بزه‌دیدگان مستقیم است هم بزه‌دیدگان غیرمستقیم. به سخن دیگر، این واژه نه تنها خود بزه‌دیده بلکه خانواده بی‌واسطه (درجه یک) یا بستگان بزه‌دیده مستقیم و شخصی را که در جریان کمک به بزه‌دیدگان مصیبت دیده یا در جریان پیشگیری از بزه‌دیدگی به آسیب دچار شده‌اند (بزه‌دیدگان غیرمستقیم) در بر می‌گیرد. مسئولیت اجتماعی را می‌توان به عنوان مبنایی برای توجیه حضور و مشارکت سمن‌ها در دادرسی کیفری محسوب کرد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۵).

طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری حوزه فعالیت این سازمان‌ها حصری و احصاشده است و شامل سازمان‌هایی است که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، بیماران و ناتوانان ذهنی یا جسمی، منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، و حقوق شهروندان است و شامل سایر حوزه‌ها، مانند حمایت از اشخاص مستمند و زندانیان و ... نمی‌شود. در واقع حوزه فعالیت سازمان‌های مردم نهاد شامل دو دسته جرائم بدون بزه‌دیده مانند جرائم علیه محیط زیست و جرائم با بزه‌دیده خاص مانند زنان و کودکان است (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۱۰). اگر جرمی بزه‌دیده خاص داشته باشد، این سازمان‌ها برای حمایت کیفری از

بزه‌دیدگان خاص باید از آن‌ها کسب رضایت کنند. تبصره ۱ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون، و یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود، مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدامات لازم را انجام می‌دهند.» این شرط هماهنگ با ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است که به موجب آن تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت منوط به شکایت شاکی است. وانگهی سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند طبق ماده ۶۶ از بزه‌دیدگان حمایت کیفری به عمل بیاورند که اولاً مجوز لازم را از مراجع مربوط اخذ کنند و ثانیاً اگر اعلام جرم آن‌ها سه بار متوالی رد شود تا یک سال نمی‌توانند از حق مذکور در ماده مذکور استفاده کنند. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۵ با اصلاحاتی در تبصره ۳ ماده مذکور محدودیتی در قدرت سمن‌ها برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان ایجاد کرد و باعث تضعیف سرمایه اجتماعی آن‌ها شد. تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۵ مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، استفاده کنند که از مراجع ذیصلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون ذکر شده محروم می‌شوند.» تبصره ۳ سابق مقرر می‌داشت اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری و با تصویب رئیس قوه قضاییه اعلام شود. برای حمایت از بزه‌دیدگان از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد باید این سازمان‌ها را تقویت کرد. با اصلاحاتی که در سال ۱۳۹۵ صورت گرفت، قانون‌گذار از هدف اولیه خود در ماده مذکور، که عبارت بود از تقویت سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از بزه‌دیدگان، دور شد.

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، تا قبل از اصلاحات ۱۳۹۴، چهار حق را برای سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه حمایت کیفری از بزه‌دیدگان در نظر گرفته بود: اعلام جرم، شرکت در مراحل دادرسی، اقامه دلیل و اعتراض به آرا. ماده مذکور تا پیش از اصلاحات ۱۳۹۴

مقرر می‌داشت: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.» در اصلاحات سال ۱۳۹۴ دایره اختیارات این سازمان‌ها محدود به دو مورد اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی شد. ماده مذکور به این شکل اصلاح شد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، و حمایت از حقوق شهروندی است می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند.» بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد به کمک اعضای خود یا اشخاص وابسته به خود اطلاعات مختلفی را در زمینه کاری خود گردآوری می‌کنند و در اختیار دارند. مخاطبان این اطلاعات می‌توانند عموم جامعه یا قشر خاصی از آن، همچون حقوقدانان یا پلیس یا ... باشند (گلشن‌پژوه ۱۳۸۵: ۷۲). یکی از کارکردهای مهم این اطلاعات در زمینه «رقم سیاه» بزهکاری و بزه‌دیدگی است. رقم عمده‌ای از بزهکاری و بزه‌دیدگی از دید سازمان‌های مربوطه، مانند دستگاه قضایی و ضابطان دادگستری و ... پنهان مانده است (رایجیان اصلی ۱۳۹۰: ۹۲). سازمان‌های مردم‌نهاد، که ارتباط نزدیکی با بزه‌دیدگان دارند، می‌توانند در این خصوص اطلاعات گردآوری‌شده خود را در اختیار نهادهای قضایی قرار دهند و از این طریق از بزه‌دیدگان حمایت کنند. این موضوع در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات ۱۳۹۴، مورد تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است. پس از اصلاحات سال ۱۳۹۴ حق اعتراض و اقامه دلیل از سمن‌ها گرفته شد و اکنون این سازمان‌ها فقط می‌توانند اعلام جرم و در مراحل دادرسی شرکت کنند. انتقادی که می‌توان بر قانون‌گذار وارد دانست این است که حق اعلام جرم حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری «ضابطان دادگستری، مقامات رسمی، یا اشخاص موثق و مطمئن» هم اعلام جرم می‌کنند. بنابراین، اگر ماده ۶۶ نیز این حق را برای سمن‌ها پیش‌بینی نمی‌کرد طبق ماده ۶۴ از این حق برخوردار

بودند. در سال ۱۳۹۴، تبصره ۴ به ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری الحاق شد. طبق این تبصره «اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرایم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده ۱۰۲ این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند». اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی اصل را بر علنی بودن محاکمات می‌داند و استثنائات آن را برمی‌شمارد. طبق این اصل «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلا مانع است؛ مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد اصولاً حق شرکت در جلسات دادرسی را دارند؛ مگر در جرایم منافی عفت که حق شرکت در جلسات را ندارند و فقط می‌توانند اعلام جرم کنند و دلایل خود را به مراجع قضایی صالح ارائه دهند. ایرادی که بر قانون‌گذار وارد است این است که حق شرکت در مراحل دادرسی مختص سازمان‌های مردم‌نهاد نیست و امتیازی ویژه محسوب نمی‌شود. طبق اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی اصولاً هر کسی می‌تواند در محاکمات حاضر شود.

تهیه و ارائه راهکارها و پیشنهادها

از آنجا که سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت‌های خود را در زمینه‌ای به‌خصوص متمرکز کرده‌اند اطلاعات و تجربیات زیادی در این زمینه دارند و می‌توانند با ارائه راهکار و پیشنهاد دولت را در سیاست‌گذاری‌های کلان کمک کنند (اقبالی و کمالیان ۱۳۹۰: ۵). ارائه پیشنهاد از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد مسبوق به سابقه است. مثلاً رابرت کاریو^۱، بزه‌دیده‌شناس فرانسوی، بر آن است که جایگاه و شأن فعلی بزه‌دیدگان فرانسه مرهون تلاش‌ها و پیگیری‌های انجمن‌های بزه‌دیدگان است که در طول دهه‌ها فعالیت‌های خود را مستمر ادامه داده‌اند (Cario 2005: 3). در ایران نیز می‌توان به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ اشاره کرد که رسالت آن جلوگیری و مقابله با پدیده بزه‌دیدگی کودکان است و با تلاش‌ها و پیگیری‌های «انجمن حمایت

1. Robert Cario

از کودکان» به تصویب رسید (زینالی ۱۳۸۲: ۶۲). بر این موضوع در ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مصوب ۱۳۸۴، تأکید شده است: «سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی مکلف‌اند در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نسبت به اخذ نظر سازمان‌های مردم‌نهاد اقدام و حسب مورد آن‌ها را برای شرکت در جلسات دعوت و گزارشی از نقطه‌نظرات ارائه‌شده را در اسناد سازمان ذی‌ربط ثبت نمایند».

آگاه‌سازی بزه‌دیدگان

کارکرد آموزشی سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند به نفع بزه‌دیدگان باشد. آگاه‌سازی بزه‌دیدگان و آموزش آن‌ها دربرگیرنده اطلاع‌رسانی به آن‌ها درباره حقوق و تکالیف قانونی‌شان است. مباحث حقوقی معمولاً دشوار و پیچیده‌اند. بنابراین، لازم است این سازمان‌ها اطلاعات حقوقی را به زبانی ساده در اختیار بزه‌دیدگان قرار دهند.

معاضدت‌های اجتماعی و حقوقی

بخش دولتی و رسمی جامعه برای حل معضلات اجتماعی مانند فساد، فقر، جرایم، و ... معمولاً با مشکل مواجه می‌شود. زیرا از طرفی منابع مالی محدودی را در اختیار دارد و از طرف دیگر معضلات اجتماعی بسیار زیادند. همین جاست که نقش سازمان‌های مردم‌نهاد متجلی می‌شود و این سازمان‌ها می‌توانند برای رفع این مشکلات به دولت کمک کنند (گلشن‌پژوه ۱۳۸۵: ۷۵). برخی معضلات وجود دارند که دولت آن‌ها را ایجاد و پنهان می‌کند؛ مثلاً نقض حقوق بشر که دولت تمایلی به آشکار ساختن آن ندارد و به دنبال آن بزه‌دیدگان نقض حقوق بشر بی‌پناه می‌مانند. در اینجا سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با ایفای نقش خود به این بزه‌دیدگان کمک کنند. از سازمان‌های مردم‌نهادی که در زمینه کمک به بزه‌دیدگان حقوق بشری فعالیت می‌کنند می‌توان به سازمان‌های عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر اشاره کرد (Ryfman 2009: 44).

همکاری در اجرای سیاست‌های جنایی دولت

سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با دولت‌ها در جهت اجرای سیاست‌های جنایی مبنی بر حمایت از

بزه‌دیدگان همکاری کنند. در این خصوص بند پ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، مصوب ۱۳۸۴، یکی از اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد را «کمک به اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی از طریق توافق و تفاهم با آنها» می‌داند. در فرانسه در سال ۱۹۸۲ کمیسیون مطالعات و ارائه پیشنهاد در خصوص کمک به بزه‌دیدگان تأسیس شد و راهکارهایی را درباره کمک به بزه‌دیدگان به وزارت داگستری ارائه داد. این راهکارها و پیشنهادها به انجمن‌ها و سازمان‌های حمایت از بزه‌دیدگان مجال داد با مراجع دولتی برای کمک به بزه‌دیدگان همکاری‌های لازم را داشته باشند (Cario 2005: 2).

تأثیرگذاری بر فرایند قانون‌گذاری

سازمان‌های مردم‌نهاد به طرق مختلف می‌توانند عقاید و خواسته‌های خود را تبلیغ کنند. کارکرد تبلیغاتی این سازمان‌ها در امور غیرسیاسی و عام‌المنفعه است. این سازمان‌ها می‌توانند با پرداختن به موضوع بزه‌دیدگان و تبلیغات پیرامون آن حساسیت جامعه را برانگیزند و در نتیجه افکار عمومی و حتی موضع قانون‌گذار را با خود هم‌سو کنند. مثلاً در فرانسه انجمن‌های مبارزه با خشونت علیه زنان توانسته‌اند با فعالیت‌ها و تبلیغات فراوان خود، علاوه بر تأثیرگذاری بر افکار جامعه و بسیج عمومی، دیدگاه قانون‌گذار را هم به سوی خود جلب کنند و در فرایند قانون‌گذاری مؤثر بوده‌اند (Lopez 2010: 148).

نظارت بر اعمال تخلفات دولت

برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد با نظارت بر رفتار دولت‌ها و انتشار گزارش‌هایی، اگرچه به طور غیررسمی، میزان پایبندی دولت متبوع خود یا دولت‌های دیگر را در قبال تعهدات داخلی یا بین‌المللی تحلیل و ارزیابی می‌کنند (گلشن‌پژوه ۱۳۸۵: ۷۶). به این موضوع در اسناد مهم بین‌المللی مرتبط با مقابله با بزهکاری توجه شده است. از جمله می‌توان به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مصوب ۲۰۰۳، اشاره کرد. ماده ۳ این کنوانسیون، که در تاریخ ۱۳۸۷ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، مقرر می‌دارد: «هر کشور عضو در چهارچوب امکانات خود و طبق اصول اساسی قانون داخلی خود اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد تا

شرکت فعالانه افراد و گروه‌های خارج از بخش دولتی مثل جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد، و سازمان‌های جامعه‌مدار را جهت جلوگیری و مبارزه با فساد ارتقا دهد.

راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی سمن‌ها در فرایند کیفری

عوامل متعددی مانند بهبود تصویب قانون جامع به منظور انسجام سمن‌ها، گسترش دامنه اختیارات آن‌ها، و ... وجود دارد که باعث تقویت سمن‌ها در زمینه مشارکت هر چه بیشتر آن‌ها در فرایند کیفری می‌شود. در ادامه این عوامل بررسی می‌شود.

تصویب قانون جامع به منظور انسجام سمن‌ها

پیوند حمایت اجتماعی با سیاست جنایی مشارکتی ممکن است در سطح سیاست جنایی قانون‌گذار نیز نمایان شود. بر این پایه جامعه مدنی می‌تواند در فرایند قانون‌گذاری بسیار مؤثر باشد؛ به گونه‌ای که حتی ممکن است در تهیه یک پیش‌نویس قانونی، که با گذراندن مسیر قانون‌گذاری سرانجام به قانون تبدیل شود، نقشی سازنده داشته باشد. نمونه برجسته این موضوع قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ است که سنگ بنای آن در یکی از نهادهای مدنی کوشا، به نام انجمن حمایت از حقوق کودکان، نهاده شده است (زینالی ۱۳۸۲: ۶۲ - ۶۳). تلاش‌های سازمان‌های بهزیستی کشور در کنار پیگیری‌های این انجمن بی‌گمان یکی دیگر از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی این بار در عرصه حمایت از کودکان بزه‌دیده است (زینالی ۱۳۸۲: ۶۲). بدین ترتیب می‌توان گفت دستیابی به یک الگوی مطلوب حمایت اجتماعی از گذر همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و جامعه‌ی عالی‌ترین هدف به شمار می‌آید که یک سیاست جنایی کارآمد با بهره‌گیری از آن می‌تواند به خوبی از بزه‌دیده حمایت کند.

گسترش دامنه اختیارات سمن‌ها در فرایند کیفری

سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک تا قبل از اصلاحات خرداد ۱۳۹۴ چهار نقش داشتند؛ اعلام جرم، شرکت در مراحل دادرسی، اقامه دلیل، اعتراض به آرای مراجع قضایی. با در نظر گرفتن این چهار نقش سازمان‌های مذکور دقیق‌تر به اهداف مورد نظر سیاست جنایی مشارکتی

نزدیک می‌شدند. با وجود این، ماده مذکور در خردادماه ۱۳۹۴ دستخوش اصلاحاتی شد که دایره اختیارات سازمان‌های مذکور را محدود کرد و آن‌ها را در حد اعلام‌کننده جرم و شرکت‌کننده در دادرسی تنزل داد. ازین‌رو، حق اعلام جرم حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری جرم را «ضابطان دادگستری، مقامات رسمی، یا اشخاص موثق و مطمئن» هم اعلام می‌کنند. بدیهی است گسترش دامنه اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد اقدامی است در جهت سیاست جنایی مشارکتی.

حصری نبودن موضوع فعالیت سمن‌ها در فرآیند کیفری

طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، حوزه فعالیت این سازمان‌ها حصری و احصاشده است و شامل سازمان‌هایی است که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، بیماران و ناتوانان ذهنی یا جسمی، منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی، و حقوق شهروندان است و شامل سایر حوزه‌ها - مانند حمایت از اشخاص مستمند، زندانیان، و... نمی‌شود. در واقع، قانون‌گذار با حصری کردن دایره فعالیت این سازمان‌ها از ظرفیت سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد کاسته است. قانون‌گذار برای تقویت این سرمایه اجتماعی باید فعالیت سمن‌ها را گسترش دهد تا بتواند از سایر بزه‌دیدگان هم حمایت کند.

ایجاد زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی به منظور مشارکت سمن‌ها

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم توجه به بزه‌دیدگان در سطح بین‌المللی بیش از گذشته افزایش یافت. در این میان نقش سازمان‌هایی - مانند انجمن بین‌المللی حقوق، جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی و جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی - بسیار چشمگیر بود (نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۲: ۵۵۳). هنگامی که دولت با همه نیروهای خود در کنار جامعه مدنی با همه ظرفیت‌های خود در چهارچوب یک سیاست جنایی مشارکتی در راه حمایت از بزه‌دیدگان گام برمی‌دارد، یک الگوی فراگیر و مطلوب حمایتی به نام حمایت اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود. ریشه‌های حمایت اجتماعی از بزه‌دیدگان را باید در تحولات نیمه دوم سده بیستم در عرصه حقوق بشر جست‌وجو کرد؛ اجرای بسیاری از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر در دو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و

فرهنگی و حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. حمایت اجتماعی پیش از هر چیز از گذر انجمن‌ها یا نهادها جامه عمل می‌پوشد که به ابتکار خود بزه‌دیدگان راه افتاده یا برخی نهادهای رسمی یا وزارتخانه‌ها آن را راه انداخته‌اند. بزه‌دیدگان پاره‌ای از جرم‌ها، به‌ویژه جرم‌های خشونت‌بار، گاهی به راه‌اندازی انجمن‌هایی به حمایت از بزه‌دیدگانی می‌پردازند که پیش‌تر همچون خودشان زهر بزه‌دیدگی چنین جرم‌هایی را چشیده‌اند. این انجمن‌ها بیشتر با راه‌اندازی صندوق‌های جبران خسارت یا بهره‌گیری از روانشناسان و روانکاوان متخصص کمک مالی یا عاطفی در اختیار بزه‌دیدگان می‌گذارند (لپز و همکاران ۱۳۸۸: ۱۳۱). در کشورهایی که تشکل‌های مردمی یا جنبش‌های سیاسی و اجتماعی مجال خودنمایی پیدا می‌کنند این تشکل یا جنبش‌ها با راه‌اندازی انجمن‌هایی خاص به حمایت از بزه‌دیدگان می‌پردازند. در این زمینه می‌توان از انجمن‌های فمینیستی در فرانسه نام برد (لپز و همکاران ۱۳۸۸: ۱۳۲). در کنار انجمن‌های مردمی و برخاسته از جامعه مدنی حمایت اجتماعی ممکن است از گذر نهادهای رسمی جامه عمل بپوشد. در این باره، برخی از وزارتخانه‌های دولتی یا دستگاه‌های قضایی با راه‌اندازی انجمن‌ها یا صندوق‌های دولتی جبران خسارت برای هموار کردن راه دسترسی بزه‌دیدگان به دادگری گام برمی‌دارند. مثلاً وزارت دادگستری فرانسه برای راه‌اندازی دفتر حمایت از بزه‌دیدگان در سال ۱۹۸۲ به ایجاد نزدیک به ۱۵۰ انجمن حمایتی در این کشور کمک کرده است (لپز و همکاران ۱۳۸۸: ۱۳۱). وظیفه این انجمن‌ها اطلاع‌رسانی مناسب به بزه‌دیدگان، کمک مالی در زمان‌های ضروری، و حتی کمک عاطفی به آنهاست و بدین ترتیب حمایت اجتماعی در اینجا حمایت شکلی، مالی، و عاطفی را دربر می‌گیرد. به این منظور انجمن‌های متعددی در کشور فرانسه به ابتکار خود بزه‌دیدگان یا مؤسسات مختلف یا جنبش‌های سیاسی و عقیدتی ایجاد شده‌اند همانند انجمن‌های بزه‌دیدگان^۱. این انجمن‌ها به ابتکار قربانیان جرائم خاصی ایجاد شده‌اند؛ همانند قربانیان بمب‌گذاری‌ها، والدین کودکان به‌قتل‌رسیده، قربانیان حوادث بزرگی چون فورانی^۲، خانواده‌های قربانیان حادثه کو^۳. این انجمن‌ها در تلاش‌اند در جریان رسیدگی قضایی به عنوان مدعی خصوصی پذیرفته شوند.

1. Les associations des victims
2. furiani
3. sainte odile

افزایش اعتماد مردم به سمن‌ها

در بعد اجتماعی مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، روابط متقابل، شبکه‌ها، مشارکت، آگاهی عمومی، انسجام اجتماعی، و مسئولیت اجتماعی مطرح است. برخی در تعریف بعد اجتماعی اعلام کرده‌اند سرمایه اجتماعی، همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد، و ... اشاره دارند که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند (فیروزآبادی و ناطق‌پور ۱۳۸۴: ۸۶). اعتماد عبارت است از تمایل به خطرپذیری در بطن اجتماع بر اساس حس اعتماد به دیگران. به این شکل که دیگران بر اساس انتظار ما پاسخ خواهند داد و به روش حمایتی دو جانبه عمل خواهند کرد یا لاقصد آزار دادن ندارند. اعتماد مهم‌ترین شاخصه سرمایه اجتماعی است. به جهت اهمیت زیاد این مفهوم در زندگی اجتماعی انسان، اندیشمندان بسیاری آن را بررسی و واکاوی کرده‌اند. بی‌اعتمادی پدیده‌ای روانشناختی است که به موجب آن فرد اطمینان به خود و دیگران را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان می‌کند. از نگاه کلمن، بی‌اعتمادی توان فراست و خلاقیت را از فرد و گروه می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرك و خستی تبدیل می‌کند (ستوده ۱۳۸۱: ۱۵). سازمان‌های مردم‌نهاد با سرمایه اجتماعی بسیار ارتباط دارند. میزان مشارکت افراد در انواع سازمان‌های اجتماعی و شبکه‌های رسمی و غیررسمی مدنظر است. شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای، اعم از مدرن و سنتی، وجود دارد. شبکه‌ها دو نوع‌اند؛ عمودی و افقی. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضوند که وضعیت ایشان برابر است و در شبکه‌های عمودی شهروندانی عضوند که در وضعیت نابرابر به سر می‌برند (امیری، ۱۳۸۸: ۵۸). بنابراین، لازم است با فرهنگ‌سازی و معرفی نقش‌ها و کارکردهای مثبت سمن‌ها در جامعه این سازمان‌ها را به مردم معرفی کرد و باعث افزایش اعتماد و گرایش مردم به سمت آن‌ها شد.

نتیجه

سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در جامعه نقش برجسته‌ای ایفا کنند. مداخله این سازمان‌ها در فرآیند کیفری بر اساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. این سازمان‌ها نهادهایی جهت برقراری ارتباط میان افراد جامعه و نظام عدالت کیفری به شمار می‌روند. ازین‌رو، در راستای سیاست جنایی

مشارکتی مبنای پیش‌بینی آن در قانون مذکور حمایت از حقوق شهروندان و ایجاد امنیت اجتماعی و عدالت قضایی است. از این منظر، نقش اساسی را به دوش دارند. سازمان‌های مردم‌نهاد نقش‌های متعددی می‌توانند ایفا کنند که عبارت‌اند از حمایت از بزه‌دیدگان، گردآوری اطلاعات و اعلام به مراجع قضایی، تهیه و ارائه راهکارها و پیشنهادها، آگاه‌سازی بزه‌دیدگان، معاضدت‌های اجتماعی و حقوقی، همکاری در اجرای سیاست‌های جنایی دولت، تأثیرگذاری بر فرایند قانون‌گذاری و نظارت بر تخلفات دولت که از این موارد دو مورد «اعلام جرم» و «شرکت در دادرسی» در قانون آیین دادرسی کیفری منعکس شده است. این در حالی است که در قانون مزبور پیش از اصلاحات سال ۱۳۹۴، علاوه بر دو مورد یادشده، دو نقش اساسی و کارآمد دیگر به آن‌ها محول شده بود که عبارت بودند از: حق اعتراض به آرای قضایی و حق اقامه دلیل؛ که در پی اصلاحات انجام‌شده این دو نقش از آن‌ها سلب شد. در مورد دو حق باقیمانده پس از اصلاح باید گفت شرکت در جلسات رسیدگی برای اشخاص عادی هم وجود دارد و در مورد حق دوم نیز باید گفت حق اعلام جرم حقی ویژه و مختص سمن‌ها نیست و طبق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری «ضابطان دادگستری، مقامات رسمی، یا اشخاص موثق و مطمئن» هم می‌توانند اعلام جرم کنند. بر این اساس، اگر سمن‌ها هم اعلام جرم نکنند ضابطان و مقامات مذکور در ماده یاد شده اعلام جرم می‌کنند. با این حال، وضع چنین اصلاحی سبب کاهش سرمایه اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد شده است با در نظر داشتن مباحث مزبور راحل‌های پیشنهادی عبارت‌اند از تصویب قانون جامع حاکم بر فعالیت سمن‌ها در فرایند کیفری، حصری نبودن موضوع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، پیش‌بینی زمینه فعالیت‌های حقوقی و فرهنگی و اجتماعی لازم، گسترش دامنه اختیارات سازمان‌های مردم‌نهاد که در صورت توجه به موارد مذکور تقویت سرمایه اجتماعی سمن‌ها را شاهد خواهیم بود.

منابع

۱. اقبالی، مسعود و وفاعلی کمالیان (۱۳۹۰). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار»، مهندس کشاورز، ش ۵۲، صص ۳-۲۷.
۲. امیری، آبتین (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر توسعه اجتماعی در استان هرمزگان». گلپینگ، ش ۱۵-۱۶، صص ۴۶-۶۰.
۳. پیران، پرویز (۱۳۹۲). *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*، تهران، علم.
۴. رابرت، پاتنام (۱۳۷۶). *دموکراسی نشست‌های مدنی*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، تهران، دادگستر.
۶. رضانی قوام آبادی، محمد حسین. (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۱(۹۹)، ۱۳۹-۱۶۷.
۷. زارعی‌متین، حسن و بهزاد محمدیان، سعید مدرسی (۱۳۹۵). *مدیریت سرمایه اجتماعی*، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۸. زینالی، حمزه (۱۳۸۲). «نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن»، *رفاه اجتماعی*، ش ۷، صص ۵۹-۹۲.
۹. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۱). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، آوانور.
۱۰. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). *درآمدی بر مشارکت مردمی سازمان‌های غیردولتی*، تهران، سمت.
۱۱. طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۲. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم*، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، نشر جامع ایرانیان.
۱۳. فیلد، جان (۱۳۹۲). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی. تهران: نشر کویر.
۱۴. کلمن، جمیز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه احتمالی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
۱۵. گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۵). *راهنمای سازمان‌های غیردولتی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۱۶. لپز، ژرار و ژینیا فیلیزولا (۱۳۷۹). *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الله کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، مجد.
۱۷. ناطق پور، محمد جواد، فیروز آبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*, ۶(۴), ۵۹-۹۱.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۷۲). «نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی»، *تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۱۳ و ۱۴.
19. Cario, R. (2005). *L evolution de l aide aux victims en France*. Petites Affiches.
20. Lopez, G. (2010). *La victimologie*. Dalloz, Paris.
21. Ryfman, P. (2009). *Les ONG, la Decouverte*, Paris.